



Original Article

Analyzing the Environmental Issue in Iranian Cinema (Critical Discourse Analysis of Three Iranian Films on the Environmental Theme)

Hamed Seyf , Zahra Salehzadeh* 

Department of Communication Sciences, Allameh Tabatabaie University, Faculty of Communication, Tehran, Iran

Abstract

Introduction: The country of Iran is facing many environmental issues and problems, the solutions to which require a broad movement and synergistic actions among government, institutions, organizations, and individuals in society. Given the limited number of cinema and television productions in this field, it seems necessary to conduct this research to develop and increase productions in environmental themes. In fact, the importance of this research lies in the link between cinema's environmental responsibilities. The questions we will answer in this research are:

How does Iranian cinema represent the environment? Moreover, what areas of the environment are represented in the movies?

Materials and Methods: The examples in question are films whose main narrative is entirely about environmental issues. The method of data extraction involves the researchers extracting every sentence and text that explicitly or implicitly refers to the environmental issue, categorizing them, and placing them in specific divisions at the levels of "description", "interpretation", and "explanation". They were discussed in the context of Fairclough's critical discourse analysis method. One of the best and most prominent analyses of the conditions for the formation of a discourse in the social situation of a text and the relationships between it, the language, and actors is critical discourse analysis. This method examines language as a social function and emphasizes the reproduction of social power through texts. In this method, unlike linguistic analysis, we are no longer dealing with only the syntactic and lexical elements that make up the sentence as the main basis for explaining the meaning, i.e., the "context". Rather, we face factors outside the text, that is, the situational, cultural, social, political, communication context, etc. Therefore, discourse analysis studies the crystallization and formation of the meanings and messages of linguistic units in relation to internal linguistic factors (text context) and extralinguistic factors such as cultural, political, and social contexts. Text analysis from Fairclough's point of view has seven dimensions. Its four dimensions (grammar, vocabulary, text coherence, and the overall structure of the text) are related to the owner of the text, and its three dimensions (word power, coherence, and intertextuality) are related to the reader's interpretation and understanding of the text. In short, Fairclough examines three phenomena in the analysis of each communication event: 1-Text: includes words, grammar, semantics, and phonetic system. 2-Discourse activity: includes the processes of text production and consumption. 3-Social activity: it is an aspect of discourse that deals with the political, economic, and cultural issues in which the discourse is formed.

Results and Discussion: The issues related to clean energy, reliance on oil resources, and development based on renewable resources, optimal consumption of water and energy, emphasis on a peaceful lifestyle with the environment, and the lack of government planning in recruitment and employment, as well as the lack of forestry forces, are represented in these three works. Also, environmental crises such as soil erosion, desertification, deforestation, the unfair distribution of energy and water, the drying up of wetlands and lakes, the destruction of flora and fauna, and government policies are not mentioned. Issues such as wood smuggling, garbage, air pollution, and the use of clean energy are reduced.

Conclusion: Based on the results, a film that narrates environmental challenges and problems in a coherent and specific manner and falls within the environmental genre is very rare in Iranian cinema. Most of the films and series made in this field could not have a special focus on environmental issues, and by introducing other topics into the film, they did not move them in parallel and along the same path as the main stream of the film story, and thus suffered several tears in the narrative and the main line or stream of the film. which is the environment disappearing and confuses the audience. In addition to reducing these issues, the government's lack of policies and performance is clearly evident in the examined films; contrary to the views of environmental experts and activists, it is assumed that the government's policies for protecting the environment and natural resources are perfect and complete.

Keywords: Cinema, Critical Discourse Analysis, Environmental Discourse.

Citation : Seyf, H. Salehzadeh, Z. (2023). Representation of the Environmental Issue in Iranian Cinema (Critical Discourse Analysis of Three Iranian Cinematic Films on the Theme of Environment). Sustainable Development of the Geographical Environment: Vol. 7, No. 14, (1-14). <https://doi.org/10.48308/sdge.2024.23383.1169>

Received:19/11/2023

Revised:17/01/2024

Accepted:23/01/2024

* Corresponding Author's Email: z_salehzadeh@atu.ac.ir



واکاوی مسئله محیط‌زیست در سینمای ایران (تحلیل گفتمان انتقادی سه فیلم سینمایی ایرانی با موضوع محیط‌زیست)

حامد سیف^{ID}، زهرا صالح زاده^{ID*}

گروه علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده ارتباطات، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: کشور ایران با مسائل و مشکلات محیط‌زیستی فراوانی روبه‌رو است که رفع یا کاهش آن‌ها مستلزم حرکت عمومی و هم‌افزایی اقدامات در حاکمیت، نهادها، سازمان‌ها و افراد جامعه است. پژوهش حاضر به‌عنوان نخستین پژوهش جدی به‌بازنمایی محیط‌زیست در سه فیلم سینمایی ایرانی پرداخته است. با توجه به تولیدات اندک سینما و تلویزیون (تنها ۴ فیلم سینمایی در بازه زمانی بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۴) در این حوزه، انجام این پژوهش برای توسعه و افزایش تولیدات سینما و تلویزیون در حیطه محیط‌زیست امری ضروری به نظر می‌رسد. در واقع اهمیت این پژوهش در پیوند وظایف سینما در زمینه محیط‌زیست تعریف می‌شود. سؤالاتی که در این پژوهش به آن‌ها پاسخ خواهیم داد عبارت‌اند از: سینمای ایران چگونه محیط‌زیست را بازنمایی می‌کند؟ و چه حوزه‌هایی از محیط‌زیست در فیلم‌ها بازنمایی شده‌اند؟

مواد و روش‌ها: نمونه‌های موردنظر فیلم‌هایی هستند که به‌طور کامل موضوع و مسئله محیط‌زیست روایت اصلی آن‌ها بوده است. شیوه استخراج داده‌ها به این صورت است که پژوهشگران هر جمله و متنی که به‌صورت صریح و ضمنی به مسئله محیط‌زیست اشاره دارد را استخراج و پس از دسته‌بندی، آن‌ها را در تقسیم‌بندی‌های مشخص در سطح «توصیف» جایگذاری و سپس به «تفسیر» و «تبیین» آن‌ها در روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف پرداخته شد. یکی از بهترین و برجسته‌ترین تحلیل‌هایی که شرایط شکل‌گیری یک گفتمان در موقعیت اجتماعی یک متن و روابط میان آن و زبان و کنشگران را نمایان می‌کند تحلیل گفتمان انتقادی است. این روش زبان را به‌عنوان شکلی از کارکرد اجتماعی بررسی و بر بازتولید قدرت اجتماعی به‌وسیله متن تأکید می‌کند. در این روش برخلاف تحلیل‌های زبان‌شناسانه، فقط با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به‌عنوان اصلی‌ترین مبنای تشریح معنا، یعنی «زمینه متن» سرکار نداریم؛ بلکه با عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ارتباطی و غیره روبرو هستیم؛ بنابراین، تحلیل گفتمان چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام‌های واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درونی زبانی (زمینه متن) و عوامل بیرون زبانی مثل زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مطالعه می‌کند. تحلیل متن از منظر فرکلاف دارای هفت بعد است؛ چهار بعد آن (گرامر، واژه، انسجام متن و ساختار کلی متن) به مالک متن و سه بعد آن (قدرت کلام، انسجام و بینامتنیت) به تفسیر و برداشت خواننده متن مرتبط می‌شود. به‌طور خلاصه، فرکلاف در تحلیل هر یک رویداد ارتباطی، سه پدیده را بررسی می‌کند: ۱- متن: دربرگیرنده لغت، دستور، معنی‌شناسی و نظام آوایی ۲- فعالیت گفتمانی: دربرگیرنده فرایندهای تولید و مصرف متن ۳- فعالیت اجتماعی: جنبه‌ای از گفتمان است که به موضوعات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌پردازد که گفتمان در آن شکل گرفته است.

نتایج و بحث: مسائل مربوط به انرژی‌های پاک، عدم اتکا به منابع نفتی و توسعه مبتنی بر منابع تجدیدپذیر، مصرف بهینه آب و انرژی، تأکید بر تغییر سبک زندگی، مسالمت‌آمیز با محیط‌زیست، عدم برنامه‌ریزی دولت در استخدام، به‌کارگیری و کمبود نیروهای جنگل‌بانی در این سه اثر بازنمایی شده است. همچنین به بحران‌های محیط‌زیستی چون فرسایش خاک، بیابان‌زایی، جنگل‌زدایی، توزیع ناعادلانه انرژی و آب، خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها، نابودی پوشش‌های گیاهی و جانوری و خطمشی و سیاست‌گذاری‌های دولت اشاره‌ای نشده و موضوعات به قاچاق چوب، زباله‌ها، آلودگی هوا و استفاده از انرژی پاک تقلیل داده شده است. **نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج، فیلمی که به‌طور منسجم و اخص چالش‌ها و مشکلات محیط‌زیستی را روایت کند و در ژانر محیط‌زیستی باشد در سینمای ایران بسیار محدود است. بیشتر فیلم و سریال‌های ساخته‌شده در این زمینه نتوانستند تمرکز ویژه‌ای بر موضوعات محیط‌زیستی داشته باشند و با واردکردن موضوعات دیگر به فیلم، دچار چند پارگی روایت می‌شوند. همچنین عدم سیاست‌گذاری‌ها و عملکرد دولت در فیلم‌های موردبررسی به‌صورت جدی به چشم می‌خورد. به عبارتی گفتمان محیط‌زیستی در فیلم‌های سینمایی بررسی‌شده، مشکلات ساختاری محیط‌زیست را نادیده گرفته است.

واژه‌های کلیدی: سینما، تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان محیط‌زیستی

استناد: سیف، ح.، صالح زاده، ز. ۱۴۰۲. واکاوی مسئله محیط‌زیست در سینمای ایران (تحلیل گفتمان انتقادی سه فیلم سینمایی ایرانی با موضوع محیط‌زیست)، توسعه پایدار محیط جغرافیایی: دوره ۷، شماره ۱۴، پاییز ۱۴۰۴، (۱-۱۴). <https://doi.org/10.48308/sdge.2024.233830.1169>

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۳

بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷

دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

* رایانامه نویسنده مسئول: z_salehzadeh@atu.ac.ir

مقدمه

جامعه ایران با مجموعه‌های بحران‌های محیط‌زیستی مواجه است. مشکلات در تأمین آب، فرسایش خاک، از بین رفتن تنوع زیستی، تشدید آلودگی هوا، فرونشست ریزگردها، جنگل‌زدایی و مسائل مشابه ظرفیت زیست‌پذیری جامعه را کاهش داده و توقف این مسائل نیز در کوتاه‌مدت ناممکن به نظر می‌رسد. اهمیت این وضعیت را می‌توان در اعتراضات مردم خوزستان به وضعیت زندگی خود در شرایط آلودگی ریزگردها اعتراضات به پروژه‌های انتقال آب مهاجرت‌های ناشی از خشک شدن دشت‌ها و موارد مشابه مشاهده کرد (Fazli, 2019). با این تفاسیر حاکمیت با سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی‌ها، نهادها با کار مستمر و بنیادین جهت فرهنگ‌سازی و آموزش و آگاه کردن مردم، مردم نیز با انجام کنش‌های فعالانه، همگی در حفظ محیط‌زیست نقش عمده‌ای دارند. در این میان رسانه‌ها دارای نقشی برجسته و تأثیرگذار هستند. رسانه‌ها، فراهم آورنده دانش و شکل‌دهنده ارزش‌ها هستند و مردم همواره از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند و می‌آموزند. اهمیت وظیفه آموزشی وسایل ارتباطی در جوامع معاصر، به حدی است که بعضی از جامعه‌شناسان برای مطبوعات و رادیو و تلویزیون و سینما نقش «آموزش موازی» یا «آموزش دائمی» قائل هستند. جامعه‌شناسان معتقدند که وسایل ارتباطی با پخش اطلاعات و معلومات جدید، به موازات کوشش معلمان و اساتید، وظیفه آموزشی انجام داده و دانستنی‌های عملی، فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان و دانشجویان را تکمیل می‌کنند (Motamednejad, 2011). در این میان نباید نقش هنرمندان و نهادهای فرهنگی و هنری در زمینه‌های مختلف موسیقی، شعر، ادبیات، کاریکاتور و مستند را به شیوه بازنمایی و به تصویر کشیدن مسائل محیط‌زیستی نادیده گرفت؛ فیلم و سینما می‌توانند با ترویج و اشاعه فرهنگ محیط‌زیست و ایجاد حساسیت و دغدغه بیشتر در بین مسئولین و مردم در مسیر حرکت به توسعه پایدار و جلب مشارکت مردمی گامی مؤثر بردارد؛ هم‌چنین به‌عنوان هنر هفتم در شکل‌دهی به افکار محیط‌زیستی و تغییر رفتار افراد جامعه در مواجهه با محیط‌زیست تأثیرگذار است چراکه سینما رسانه‌ای عامه‌پسند است و ساختاری روایت‌گونه دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد که نگرش و تأثیرپذیری مردم از سینما بر نوع رفتار آن‌ها در مواجهه با محیط‌زیست اثرگذارتر از دیگر رسانه‌ها است.

با تشریح و توصیف موارد بالا اهمیت بازنمایی مسئله محیط‌زیست برای حوزه رسانه‌ای و سینمایی کشور قابل‌درک است. رسانه‌ی پرتعداد سینما به‌عنوان بخشی از فرهنگ عامه‌پسند عصر حاضر می‌تواند با تمهیداتی خلاقانه در به تصویر کشیدن طبیعت و محیط‌زیست با ملموس کردن مسائل و مصائب محیط‌زیست و بحران‌های حاصل از آن، به درک مخاطب از معضلات محیط‌زیستی منجر شود و بدین ترتیب نقش اساسی خود را در جلب مشارکت هم در عرصه عمومی و هم در میان سیاست‌گذاران ایفا کند. این بازنمایی در سینما می‌تواند مورد مطالعه دقیق و تحلیلی موشکافانه قرار گیرد تا تأثیرات آشکار و نهفته آن بر مخاطب روشن گردد. علاوه بر این بررسی نحوه بازنمایی محیط‌زیست در سینما به تولیدکنندگان این عرصه درک بهتری خواهد داد تا از این طریق مهارت‌های خلاقانه و زیباشناختی خود را از منظر محیط‌زیستی افزایش دهند. دلیل دیگری که بر اهمیت موضوع می‌افزاید لزوم گسترش مطالعات و تحقیقات محیط‌زیستی است تا با انجام این پژوهش‌ها، عملکرد دولت‌ها و سیاست‌گذاران و نحوه سیاست‌گذاری آن‌ها در این زمینه و همچنین فعالیت نهادهای فرهنگی در تهیه و تولید صنایع فرهنگی که مبتنی بر آموزش، اطلاع‌رسانی، آگاهی و فرهنگ‌سازی هستند با روشی علمی و مستدل مورد بررسی قرار گیرد. بدیهی است که انجام این پژوهش‌ها و نحوه ارزیابی عملکرد و فعالیت‌ها هم در سطح حاکمیت و هم در سطح نهادها، مجریان متولی را توجه کم‌وکاستی‌ها خواهد کرد. هم‌چنین درحالی‌که توجه افکار عمومی به مسائل سیاسی و اقتصادی است و این‌گونه مسائل در اولویت قرار گرفته‌اند و مسئولین، کنشگران، نخبگان، افکار عمومی از توجه به محیط‌زیست غافل مانده‌اند ضرورت دارد تا به مسئله محیط‌زیست پرداخته شود تا توجه همگان به آن جلب شده و از بروز فجایع و پیامدهای ناگوار آن در آینده جلوگیری شود. درحالی‌که سینما در کنار صنایع دیگر، نقش مهمی در شکل‌گیری بحث‌های عمومی مسائل محیط‌زیستی و افزایش سطح آگاهی‌ها و شناخت و حفاظت از محیط‌زیست دارد، ولی ما معتقدیم که سینمای ایران برخلاف صنایع فرهنگی دیگر که به موضوع محیط‌زیست پرداخته‌اند از فعالیت در این حیطه غافل مانده است. تحقیقات صورت گرفته در این زمینه بیشتر متمرکز بر پیوند محیط‌زیست با رسانه‌های چاپی و مطبوعات بوده و تعداد اندکی پژوهش در حیطه محیط‌زیست و سینما صورت گرفته

است. پژوهش حاضر به‌عنوان نخستین پژوهش جدی که به بازنمایی محیط‌زیست در فیلم و سریال‌های ایرانی پرداخته است مسیر گام نهادن در این عرصه را برای پژوهشگران علاقه‌مند هموار می‌سازد. هم‌چنین با توجه به تولیدات اندک این حوزه در سینما و تلویزیون (تنها سه فیلم سینمایی در بازه زمانی بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۴) انجام این پژوهش برای توسعه و افزایش تولیدات سینما و تلویزیون در حیطه محیط‌زیست ضروری است. در واقع اهمیت این پژوهش در پیوند وظایف سینما در زمینه‌ی محیط‌زیست تعریف می‌شود. سؤالاتی که در این پژوهش به آن‌ها پاسخ خواهیم داد عبارت‌اند از: سینمای ایران چگونه محیط‌زیست را واکاوی می‌کند؟ و چه حوزه‌هایی از محیط‌زیست در فیلم‌ها واکاوی شده‌اند؟

گفتمان، مجموعه‌ای ویژه از ایده‌ها، مفاهیم و دسته‌بندی‌ها می‌داند که به‌طور مستمر، تولید و بازتولید می‌شوند و به شکل مجموعه‌ای از کنش‌ها و رسوم درمی‌آیند که از طریق آن‌ها به واقعیت‌های فیزیکی و اجتماعی معنا بخشیده می‌شود (Hajer, 1995). در حوزه مطالعات محیط‌زیست نیز گفتمان‌های متعددی مطرح شده‌اند و بنابراین دسته‌بندی‌های گوناگونی از آن‌ها ارائه شده است. از جمله، می‌توان به طبقه‌بندی برول^۱ (۲۰۰۰) اشاره نمود. برول گفتمان‌های زیست‌محیطی را به نه گفتمان تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: سرنوشت آشکار، مدیریت حیات‌وحش، حفاظت از محیط‌زیست، محافظت، محیط‌زیست‌گرایی اصلاحی، اکولوژی ژرف اندیشانه، عدالت زیست‌محیطی، اکوفمینیسم، الهیات محیطی. علاوه بر این، جان دریزک^۲ (۲۰۰۵) نیز چهار گفتمان زیست‌محیطی را برمی‌شمارد: بقاء‌گرایی، حل مسائل زیست‌محیطی، پایداری و رادیکالیسم سبز. هم‌چنین هانیگن (۲۰۰۷) در کتاب جامعه‌شناسی محیط‌زیست با مرور گفتمان‌های پیشین، تقسیم‌بندی تازه‌ای ارائه می‌کند. او گفتمان‌های زیست‌محیطی را در سه دسته جای می‌دهد: ۱. گفتمان آرکادی^۳ که در آن طبیعت از ارزش‌های معنوی و زیبایی‌شناختی والایی برخوردار است. ۲. گفتمان زیست‌بوم^۴ که بر این باور است دخالت انسان نظم طبیعی اجتماعات زیستی را برهم می‌زند. ۳. گفتمان عدالت زیست‌محیطی^۵ که بر حق بنیادین همه شهروندان برای زیستن و کار کردن در محیطی سالم تأکید می‌کند. (Hannigan, 2007).

پارسا پور و حسین پور (۲۰۱۴) در پژوهش خود با عنوان نقش ادبیات در تحولات گفتمان محیط‌زیستی، با توجه به سه نقش ادبیات در مواجهه با گفتمان‌های محیط‌زیستی، به نقد نمونه‌هایی از آثار ادبی در تاریخ ادبیات معاصر در هریک از نقش‌ها پرداخته و به این نتیجه می‌رسند که ادبیات قادر است با سه عملکرد (شامل؛ نقد و اصلاح گفتمان محیط‌زیستی موجود، جایگزینی یک‌باره گفتمان محیط‌زیستی به حاشیه رانده یا فراموش‌شده و دیگر، گفت‌وگو و آشنایی گفتمان‌های محیط‌زیستی متنوع و نزدیک کردن آن‌ها به یکدیگر) به استفاده از انرژی تخیل و ایجاد جهان‌های ممکن منجر شده و بدین ترتیب می‌تواند در برجسته ساختن و پیشگیری از مخاطرات محیط‌زیستی نقش قابل توجهی داشته باشد.

بیچرانلو (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان «بایسته‌ها و اقتضائات مواجهه سینمای ایران با محیط‌زیست» با هدف تبیین چگونگی مواجهه سینمای ایران با مسائل و مشکلات محیط‌زیستی کشور به‌منظور دستیابی به دریافتی تحلیلی از نوع مواجهه سینما با این مسائل، مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته‌ای را با پانزده نفر از خبرگان دارای رویکردهای نظری و تخصصی مختلف انجام می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که دستیابی به زیبایی‌شناسی محیط‌زیست و نیز احتراز از رویکرد سفارشی به محیط‌زیست (در برابر رویکرد جوشی) از مهم‌ترین الزامات سینما برای مواجهه با مسائل محیط‌زیستی است.

زائری و محمدی (۲۰۲۰) در پژوهش «تحلیل گفتمان فرهنگ محیط‌زیستی در ایران» با روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه به این نتیجه می‌رسند که اگرچه گفتمان محیط‌زیست‌گرایی دارای تاریخی طولانی است، اما با توجه به مدرن بودن بحران محیط‌زیست که به‌طور مشخص از زمان پهلوی دوم آغاز شده و با پررنگ‌تر شدن پیامدهای توسعه افراطی، این گفتمان امروزه در مواجهه با چنین مسئله‌ای در منازعه گفتمانی از موقعیت بهتری برخوردار است. بعد از انقلاب نیز با ادامه سیاست‌های توسعه‌ای از سوی دولت‌های مختلف این گفتمان در تقابل با گفتمان توسعه خود را مفصل‌بندی نموده و به شیوه‌های مختلف سعی در هژمونیک شدن دارد.

ریتا کواچ^۶ (۲۰۲۲) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل گفتمان محیط‌زیست پایدار در صنعت فیلم بریتانیا و آلمان» به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه صنایع فیلم بریتانیا و آلمان مفاهیم پایداری محیط‌زیستی را در تولید فیلم

مفهوم‌سازی می‌کنند. پژوهشگر به دنبال این پرسش‌هاست که چه چیزی به‌عنوان مشکل شناسایی می‌شود و آیا راه‌حلی که برای مشکلات پیشنهاد می‌شود. این پژوهش مطالعات پایداری محیطی را با تئوری و شیوه‌های تولید فیلم ادغام می‌کند، درحالی‌که از تحلیل گفتمان به‌عنوان روشی برای بررسی زبان دو متن انتخاب‌شده از نظر انتخاب کلمه، ساختار، مخاطب موردنظر و متقاعدسازی استفاده می‌کند. دو مطالعه موردی نشان می‌دهند که هنگام بحث در مورد پایداری محیط‌زیستی، نگرانی اصلی تغییر اقلیم است. نتایج نشان می‌دهند که از نظر زبان، متون سند بریتانیایی هم از جزئیات فنی و هم از زبان بار عاطفی استفاده می‌کند تا خواننده را متقاعد کند، درحالی‌که مطالعه موردی آلمانی کاملاً خنثی و محدود به اطلاعات و توصیه‌ها است.

پاسکیویچ^۷ (۲۰۲۱) در تحقیقی با عنوان «سینما و محیط‌زیست: هنر ذهن آگاهی در عصر آنتروپوسن» با توجه به نقد گفتمان آنتروپوسن^۸ (چیرگی قدرت و عملکرد انسان بر محیط‌زیست) این موضوع را بررسی می‌کند که چگونه سینمای معاصر می‌تواند به ما امکان بازنگری در رابطه خود با محیط‌زیست را بدهد. نتایج نشان می‌دهد که دستگاه سینمایی که به‌طور سنتی به‌عنوان ایجاد حس فاصله و کنترل بر آنچه دیده می‌شود، می‌تواند انسان‌محوری را تقویت کند، به همین ترتیب تجزیه و تحلیل فیلم می‌تواند تفسیری انسان‌محور از معناسازی را بازتولید کند. هم‌چنین صرفاً با تماشای فیلم‌ها نمی‌توانیم رابطه متقابل شکسته خود را با «طبیعت» به‌عنوان فضایی رمانتیک شده ضد مدرنیته احیا کنیم یا رابطه‌ای اصیل‌تر با محیط‌زیست برقرار کنیم.

«روابط متضاد و درهم‌تنیده انسان و طبیعت: تحلیل مادی-گفتمانی فیلم مستند کیرونا: یک دنیای کاملاً جدید» عنوان پژوهشی است که توسط کارپنتیر^۹ و همکاران (۲۰۲۱) انجام گرفته است. مقاله با یک بحث نظری در مورد نظری گفتمان با رویکردهای ماتریالیستی جدید آغاز می‌شود و سعی دارد تا چارچوب نظری درهم‌تنیدگی گفتمانی-مادی را توسعه داده و سپس از این چارچوب برای شناسایی تعدادی از هژمونیک گفتمان‌ها استفاده می‌کند که به طبیعت معنا می‌دهد. فیلم به یک شهر معدنی در شمال سوئد می‌پردازد که در معرض خطر فرونشست زمین قرار دارد و تحلیل پژوهشگران نشان می‌دهد که فیلم مستند باعث ایجاد گفتمان می‌شود و مکانیسم‌های هژمون‌سازی را به ما نشان می‌دهد. همان‌طور که این فیلم خوشه‌ای از گفتمان‌های مسلط و شکاف‌ها و محدودیت‌های آن را در یک مبارزه گفتمانی-مادی بین سه بازیگر اصلی فیلم (خاک، شهر و معدن) به تصویر می‌کشد و با نشان دادن خاک به‌عنوان عاملیت مادی و مقاومت در برابر استثمار، بیانگر هم‌ذات‌پنداری با گفتمان‌های ضد هژمونیک است.

محمد ملیس^{۱۰} و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش «گفتمان محیط‌زیستی در مستند اکو مراکشی: رمزگشایی از روایت‌های دانشمندان» به این نتیجه می‌رسند که عبارات «شدت درک شده» و «حساسیت درک شده» در گفتمان کارشناسان غالب هستند. این مطالعه پیامدهای بسیاری برای تولیدکنندگان مستندهای محیط‌زیستی، ارگان‌های دولتی و غیردولتی و تحقیقات آینده در مراکش برای کشف جنبه‌های دیگر فیلم‌هایی دارد که آسیب‌های انسان به محیط و منابع محیطی را گزارش می‌دهند.

کلر اس. آن^{۱۱} (۲۰۲۰) در پژوهش «توجه به نقش رسانه‌های مستند در آموزش محیط‌زیست» واکنش بینندگان به تصاویر بصری خاص در مستندهای محیطی را بررسی می‌کند. این پژوهش در یکی از دانشگاه‌های غرب کانادا و در مجموع بر روی یازده شرکت‌کننده انجام گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که برای تأثیرگذاری پیام یک مستند محیط‌زیستی بینندگان باید ارتباط شخصی برقرار کنند. افراد از طریق تجربیات، خود که راهی برای به‌خاطر سپردن و به‌خاطر سپردن است آگاهی عمیق‌تری از محیط ایجاد می‌کنند. یافته‌ها هم‌چنین حاکی از آن است که هنگامی که دانش‌آموزان برای اطلاع از مسائل محیط‌زیستی به رسانه‌های مستند مراجعه می‌کنند؛ بنابراین در برنامه‌ها و کلاس‌های آموزش محیط‌زیست باید توجه ویژه‌ای به این امر شود که چگونه حالت‌های بصری در مستندهای محیط‌زیستی باعث آگاهی از محیط‌زیست و تمایل به عمل به روش‌های پایدار می‌شود.

کریستوفر دلیو پودکسی^{۱۲} (۲۰۱۱) در مقاله «ماهیت اسطوره‌های آینده: گفتمان محیط‌زیستی در فیلم علمی-تخیلی سال‌های بین ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۱» به این نتیجه می‌رسد که این فیلم‌ها طبیعت را کم‌ارزش‌تر از افراد متمدن بازنمایی و از رابطه سودمند بشریت از طبیعت حمایت می‌کنند. به‌طور خاص، این فیلم‌ها علم و فناوری را تجلیل می‌کنند، تمدن را در حال پر کردن و تسلط بر بیابان و فضا به تصویر می‌کشند و طبیعت را متخاصم و پست‌تر و بی‌ارزش‌تر از تمدن بشری نشان می‌دهد. در مقابل گفتمان قدرت، گفتمان مقاومتی وجود دارد که رابطه خوب با طبیعت را ارزش‌گذاری می‌کند، اما این گفتمان کمتر رایج است و مسلماً قدرت کمتری هم دارد.

با توجه به مراجعه به پایگاه‌های علمی مقالات و همچنین بررسی پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی، تاکنون در خصوص واکاوی مسئله محیط‌زیست در فیلم‌های سینمایی ایرانی به روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف و به صورت دقیق (بررسی متون فیلم‌ها) پژوهشی صورت نگرفته است. در این پژوهش همه دیالوگ‌هایی که به‌گونه‌ای به محیط‌زیست اشاره داشته، استخراج و بررسی شده‌اند؛ بر این اساس پژوهشگران معتقدند که پژوهش حاضر از این حیث دارای نوآوری است.

مواد و روش‌ها

تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف

گفتمان نوعی زبان یا نظام بازنمایی است که از لحاظ سیاسی و اجتماعی بسط می‌یابد تا مجموعه‌ای منسجم از معانی را درباره یک حیطه موضوعی مهم، تولید و توزیع کند. این معانی در خدمت آن بخش از جامعه عمل می‌کند که گفتمان از درون آن سرچشمه گرفته است و از طریق عملکرد ایدئولوژیکی تلاش می‌کند آن معانی را به «عقل سلیم» مبدل سازد (Motamednejad and Mehdizadeh, 2007). یکی از بهترین و برجسته‌ترین تحلیل‌هایی که شرایط شکل‌گیری یک گفتمان در موقعیت اجتماعی یک متن و روابط میان آن و زبان و کنشگران را نمایان می‌کند تحلیل گفتمان انتقادی است. این روش زبان را به‌عنوان شکلی از کارکرد اجتماعی بررسی و بر بازتولید قدرت اجتماعی به‌وسیله متن تأکید می‌کند. فرکلاف زبان را کرداری اجتماعی می‌داند که درون جامعه رخ می‌دهد و فرایندی اجتماعی محسوب می‌شود که مانند دیگر فرایندهای اجتماعی، تأثیر پذیرفته و از عوامل تغییرات اجتماعی نیز هست. (Bashir, 2019) تحلیل گفتمان انتقادی سیر تکوینی تحلیل گفتمان در مطالعات زبان‌شناختی است که به لحاظ نظری و روش‌شناختی، تحلیل گفتمان را از حد توصیف صرف داده‌های زبانی فراتر می‌برد و فرآیندهای ایدئولوژیکی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان، مناسبات زبان با قدرت و روابط سلطه، پیش‌فرض‌های حامل بار ایدئولوژیکی و نابرابری‌های گفتمانی را در کانون توجه قرار می‌دهد (Bastani et al., 2013). در نظر فرکلاف، تحلیل گفتمان انتقادی، روشی است که در کنار سایر روش‌ها برای بررسی تغییرات فرهنگی و اجتماعی به کار می‌رود؛ همچنین این روش مرجعی است که در ستیز علیه سلطه و استثمار کاربرد دارد. در این روش برخلاف تحلیل‌های زبان‌شناسانه، دیگر فقط با عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله به‌عنوان اصلی‌ترین مبنای تشریح معنا، یعنی «زمینه متن» سرکار نداریم؛ بلکه فراتر از آن با عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ارتباطی و غیره روبرویم؛ بنابراین، تحلیل گفتمان چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام‌های واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درونی زبانی (زمینه متن) و عوامل برون زبانی مثل زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مطالعه می‌کند (Lutafipour, 2009).

تحلیل متن از منظر فرکلاف دارای هفت بعد است؛ چهار بعد آن (گرامر، واژه، انسجام متن و ساختار کلی متن) به مالک متن و سه بعد آن (قدرت کلام، انسجام و بینامتنیت) به تفسیر و برداشت خواننده متن مرتبط می‌شود. به نظر فرکلاف، تحلیل متن باید در سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین انجام گیرد:

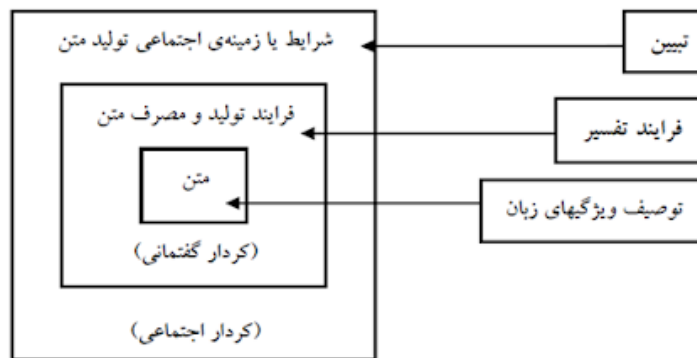
در مرحله توصیف گفتمان به‌مثابه متن (شامل تحلیل زبانی در قالب واژگان، دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر از جمله) است. در این سطح باید به مهم‌ترین پرسش‌ها پاسخ داد که: کلمات واجد کدام ارزش‌های تجربی مثبت و منفی هستند؟ چه نوع روابط معنایی (هم معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی) به لحاظ ایدئولوژیکی بین کلمات وجود دارد؟ کلمات واجد کدام

ارزش‌های رابطه‌ای مثبت و منفی هستند؟ کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی استفاده‌شده است؟ به عبارتی در کلمات از کدام استعاره‌ها استفاده‌شده است؟ فرایندها و مشارکین چه چیز و چه کسانی هستند؟ آیا از فرایندهای اسم‌گذاری استفاده‌شده است؟ جملات معلوم هستند یا مجهول؟ جملات مثبت هستند یا منفی؟ آیا ضمایی مانند ما و شما وجود دارد؟ افعال خبری هستند یا پرسشی و دستوری؟ در سطح تفسیر گفتمان به‌مثابه تعامل بین فرآیند تولید و تفسیر متن توسط مصرف‌کننده متن است؛ فرکلاف درباره این سطح می‌گوید: تفسیرها ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است و مقصود من از این دومی (ذهنیت مفسر) دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد (Farclough, 2008). فرکلاف برای فرآیند تفسیر هم چهار سطح را به تصویر می‌کشد: ظاهر کلام، معنای کلام، انسجام موضعی و ساختار و جان‌مایه متن. مهم‌ترین پرسش‌هایی که در این سطح مطرح می‌شوند: ماجرا چیست؟ چه کسانی درگیر آن هستند؟ روابط میان آن‌ها چیست؟ نقش زبان در پیشبرد ماجرا چیست؟ پرسش اول محتوا را تعیین می‌کند و شامل سه جز می‌شود: فعالیت، عنوان و هدف، پرسش دوم اشخاص درگیر یا همان فاعلان متن و روابطشان، پرسش سوم روابط متن از حیث مناسبات قدرت، فاصله اجتماعی و موقعیت‌های اجتماعی و پرسش آخر پیوندهای متن و در سطح تبیین، گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی بررسی می‌شود و متن با توجه به زمینه و بستر اجتماعی تحلیل می‌شود. در این سطح تحلیلگر بر آن است که ساختارها و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی حاکم بر گفتمان را کشف کند (Bashir, 2019). پس به‌طور خلاصه، فرکلاف در تحلیل هر یک رویداد ارتباطی سه پدیده را بررسی می‌کند.

الف. متن: دربرگیرنده لغت، دستور، معنی‌شناسی و نظام آوایی

ب. فعالیت گفتمانی: دربرگیرنده فرایندهای تولید و مصرف متن

ج. فعالیت اجتماعی: جنبه‌ای از گفتمان است که به موضوعات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌پردازد که گفتمان در آن شکل گرفته است.



شکل ۱. الگوی سه لایه‌ای تحلیل گفتمان انتقادی (Farclough, 1985)

فیلم‌های موردنظری که در جدول شماره ۱ از آن‌ها نام می‌بریم تنها فیلم‌هایی بودند که توسط پژوهشگران شناسایی شدند که به‌طور کامل موضوع و مسئله محیط‌زیست روایت اصلی آن‌ها بود (در فیلم‌های سینمایی دیگر محیط‌زیست به‌عنوان موضوع حاشیه‌ای حول محور داستان اصلی فیلم شکل گرفته بود و جز چندین دیالوگ مختصر به موضوع و مسئله محیط‌زیست اشاره‌ای نشده است). شیوه استخراج داده‌ها به این صورت است که پژوهشگران هر جمله و متنی که به‌صورت صریح و ضمنی به مسئله محیط‌زیست اشاره دارد را استخراج و پس از دسته‌بندی، آن‌ها را در تقسیم‌بندی‌های مشخص در سطح «توصیف» روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف جایگذاری نموده‌اند؛ سپس در بخش «تفسیر» پژوهشگران دیدگاه و نظر شخصی خود را نسبت به متن مطرح و در بخش «تبیین» زمینه‌های اجتماعی که دلیل بروز گفتمان خاصی شده است را کشف نموده‌اند. با این تفاسیر پژوهشگر فقط در بخش «تفسیر» می‌تواند دیدگاه خود را نسبت به متن ابراز کند و در سایر سطوح صرفاً یک گردآورنده است.

جدول شماره ۱. مشخصات فیلم‌های سینمایی^۱

ردیف	نام فیلم	مشخصات فیلم			
		کارگردان	نویسنده	موضوع کلی بازتابی	سال ساخت
۱	نارنجی پوش	داریوش مهرجویی	داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فر	مسئله زباله در شهر و طبیعت	۱۳۹۰
۲	طعم شیرین خیال	کمال تبریزی	علی میرمیرانی و نغمه ثمنی	اهمیت انرژی‌های پاک	۱۳۹۲
۳	ماه در جنگل	سیامک شایقی	سیامک شایقی	مراقبت از جنگل	۱۳۹۴

نتایج و بحث

فیلم «نارنجی پوش»

سطح توصیف

الف. ارزش‌های تجربی

واژگان این فیلم حاوی ارزش‌های تجربی مثبت نسبت به پاکیزگی، تمیز بودن خانه، شهر، خیابان، جنگل، ساحل، جاده‌ها، شغل ارزشمند رفتگری و حاوی ارزش‌های منفی نسبت به زباله و ریختن زباله در طبیعت و محیط‌های شهری است.

ب. ارزش‌های رابطه‌ای

راویان، کثیف بودن، عقب‌ماندگی، غارنشین بودن، آشغال ساز بودن و عوضی بودن را به افرادی نسبت می‌دهد که در طبیعت و خیابان زباله می‌ریزند؛ همچنین نویسنده شهر تهران را شهری کثیف می‌داند که قرار است به‌وسیله افرادی چون حامد تمیز شود.

ج. ارزش‌های بیانی

در جدول زیر ارزش‌های بیانی فیلم سینمایی «نارنجی پوش» نشان داده شده است.

جدول شماره ۲. ارزش‌های بیانی فیلم (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

ردیف	مقوله‌های بکار رفته در فیلم	صنعت‌های ادبی بکار رفته
۱	دریا مثل اتاقته	تشبیه
۲	جنگل زیبا	توصیف
۳	آشپزخونه نفس خونه است	تشبیه
۴	شهر رو مثل خونه خودمون تمیز نگه داریم	تشبیه

جدول شماره ۳. تحلیل ویژگی‌های دستوری و ساختار متن (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

مشارکین	فرآیندهای فعلی	نوع افعال	شکل جملات	جهت‌گیری افعال	استفاده از ضمائر
حامد آبان و شهروندان	کنشی	معلوم	دستوری	منفی	شما

و. معانی تولیدشده در گفتمان فیلم

- تولید معنی مثبت در خصوص پاکیزگی، تمیز بودن خانه، شهر، خیابان، جنگل، ساحل، جاده‌ها و ...
- تولید معنی مثبت نسبت به شغل ارزشمند، سخت و پرمسئولیت رفتگری
- تولید معنی منفی نسبت به زباله و ریختن زباله در طبیعت و محیط شهری

۱. علاوه بر نمونه‌های بررسی شده، فیلم سینمایی «روزی که هوا ایستاد به کارگردانی نادر ابراهیمی - محصول ۱۳۷۶» به عنوان فیلمی که یکی از مسائل محیط‌زیست (آلودگی هوا) را بازتاب می‌کند شناسایی ولی به دلیل محدودیت تعداد کلمات در مقالات علمی - پژوهشی از بررسی آن صرف‌نظر و به سه اثر متأخر (تولید دهه ۹۰) پرداخته شد.

سطح تبیین

اگرچه داریوش مهرجویی را به‌عنوان بهترین کارگردان تاریخ ایران می‌دانند و آثار او از جمله «هامون» و «گاو» از آثار فاخر وی هستند ولی انتقادات بسیاری چون سفارشی بودن، نبود منطق در فیلم‌نامه و روابط به خاطر خلق این اثر به وی شده است. منتقدین فیلم نارنجی‌پوش را از جمله فیلم‌هایی می‌دانند که شأن و جایگاه فاخر و فلسفه سینما و عوامل پرافتخار را به‌شدت نزول می‌دهد و به همین دلیل فاقد ارزش واقعی با معیارهای سینما است چون تجارت و کسب سود را در اولویت قرار می‌دهد. با مراجعه به وب‌سایت‌ها و بررسی نقد این اثر مشخص شد که این فیلم به سفارش شهرداری تهران در زمان تصدی محمدباقر قالیباف ساخته شده است (مگ‌ایران، ۱۳۹۰). در حال اگر خود را از دعوای کارگردانان و منتقدین دور کنیم و در خصوص دیدگاه آنان به سینمای سفارشی هیچ ارزش‌گذاری انجام ندهیم و در عوض دیدگاه کنشگران، متخصصان و دغدغه‌مندان محیط‌زیست را معیار قرار بدهیم، اصل موضوع که پرداختن سینما به محیط‌زیست است اتفاقی مبارک است. بعد از فیلم «روزی که هوا ایستاد - ۱۳۷۶» فیلم نارنجی‌پوش اینجا موفق بوده که به‌خوبی توانسته است بخشی زیادی از شهروندان را نسبت به پاکیزگی و نریختن زباله در شهر و مناطق گردشگری حساس کند و شغل رفتگری، مسئولیت و زحمات این گروه را که اصلاً یا کمتر در آثار سینمایی و تلویزیونی به آن پرداخته شده است را به نمایش بگذارد.

فیلم «طعم شیرین خیال»

سطح توصیف

الف. ارزش‌های تجربی

واژگان این فیلم حاوی ارزش‌های تجربی مثبت نسبت به محیط‌زیست، کره زمین، انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر و مصرف بهینه انرژی و ارزش‌های تجربی منفی نسبت به سوخت‌های فسیلی، مصرف بی‌رویه انرژی، آب و ماشین‌آلات صنعتی است.

ب. ارزش‌های رابطه‌ای

همان‌طور که در نمونه‌های زیر می‌بینیم راویان، نسبت به آب، کویر، خورشید، انرژی‌های پاک، زمین، دوچرخه خورشیدی تمجید و مصرف بی‌رویه آب و انرژی، استفاده از پلاستیک، وسایل صنعتی از قبیل خودرو، دود و روغن خودرو و زباله را تقبیح می‌کنند.

ج. ارزش‌های بیانی

در جدول زیر ارزش‌های بیانی فیلم سینمایی «طعم شیرین خیال» نشان داده شده است.

جدول شماره ۴. ارزش‌های بیانی فیلم (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

ردیف	جملات بکار رفته در فیلم	صنعت‌های ادبی بکار رفته
۱	بیچارگی، گرسنگی، سرما، ترس، وحشت، گند، کثافت	توصیف و مراعات نظیر
۲	بانوی زیبا و سخاوتمند و مهربان کویر	تشخیص، تشبیه و مراعات نظیر
۳	حساب نامحدود خورشیدی مثل حساب بانکی پره	تشخیص، تشبیه و مراعات نظیر
۴	پامون رو گذاشتیم رو گاز داریم با سرعت نور دخل تمام منابع انرژیمون رو میاریم	استعاره، کنایه، مراعات نظیر
۵	این سفره خالی از نعمت	استعاره
۶	ولی عقل این میرسه (کره زمین)	تشخیص و استعاره مکنیه
۷	این بدبخت (کره زمین)	تشخیص و استعاره
۸	این زمین خدا شعورمنده، می‌فهمه	تشخیص، استعاره مکنیه، مراعات نظیر
۹	کویر خانم	تشبیه و تشخیص
۱۰	بندهای هولناک پلاستیکی (اشاره به بندهای کفش)	اغراق
۱۱	موجود شریف (کویر)	تشخیص
۱۲	انرژی پاک خورشید	مراعات نظیر
۱۳	حداقل زبونش رو یاد بگیرد (منظور کره زمین است)	تشخیص
۱۴	بابا زدین پدر این زمین رو درآوردین، سوراخ سوراخ کردین، دل‌وروده و جیگرشو کشیدید بیرون	تشخیص و کنایه

جدول شماره ۵. تحلیل ویژگی‌های دستوری و ساختار متن (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

مشارکین	فرآیندهای فعلی	نوع افعال	شکل جملات	جهت‌گیری افعال	استفاده از ضمایر
استاد، دانشجویان، خانواده شیرین، رئیس دانشگاه و نیروهای وی	کنشی	معلوم	دستوری	مثبت و منفی تقریباً برابر	ما

و. معانی تولیدشده در گفتمان فیلم

- معرفی انرژی‌های پاک به جای انرژی‌های فسیلی
- معرفی وسایل نقلیه برقی به جای وسایل نقلیه بنزینی
- تأکید بر مصرف بهینه آب و انرژی و تقبیح بر مصرف بی‌رویه آن‌ها
- تأکید به نریختن زباله در طبیعت
- تأکید بر تعمیر وسایل نقلیه به منظور کاهش آلاینده‌گی ناشی از سوخت و روغن
- تأکید بر تغییر سبک زندگی دوستانه با محیط‌زیست
- ترساندن مخاطب از عواقب بی‌توجهی به محیط‌زیست و تشویق آن‌ها به درختکاری و حفظ منابع طبیعی

سطح تبیین

تبریزی خاطره‌ای از سفر خود به ژاپن را به همراه کیومرث پوراحمد یادآوری کرد که در تمام مدت نه آشغالی در خیابان‌ها دیدند و نه حتی سطل آشغالی. وی همچنین خاطر نشان می‌کند که: از مدت‌ها پیش مسئله محیط‌زیست را با یکسری از دوستان فیلم‌ساز خود مطرح کرده و در تلاش بودیم تا انجمنی را در ارتباط با این موضوع و مشکلات آن راه‌اندازی کنیم تا به این ترتیب مردم را نسبت به آینده‌ای که در انتظار همه است، آگاه کنیم. لازم به ذکر است فیلم «طعم شیرین خیال» که درباره‌ی محیط‌زیست است به دلیل مضمون آن از سوی معصومه ابتکار (رئیس سازمان محیط‌زیست وقت) و معاون رئیس‌جمهور مورد تقدیر قرار گرفته است (Tabrizi, ۲۰۱۴). با این تفاسیر می‌توان به نتیجه رسید که علاوه بر دغدغه‌های قدیمی و شخصی کمال تبریزی، سفر وی به ژاپن و ندیدن هیچ زباله و سطل زباله‌ای در خیابان، انگیزه‌ای برای ساخت این اثر بوده است. در ضمن «طعم شیرین خیال» اشاره‌ای است به اینکه خواسته‌ها و فانتزی‌های استاد رازیانی در دنیای امروزی که سرمایه‌داری با تمام قدرت نابودی و تخریب محیط‌زیست را نشانه رفته است بیشتر در حد یک «خیال» است و چشیدن «طعم شیرین» یک محیط‌زیست سالم را فقط باید در خیال جست‌وجو کرد.

فیلم «ماه در جنگل»

سطح توصیف

الف. ارزش‌های تجربی

واژگان فیلم حاوی ارزش‌های تجربی مثبت نسبت شغل جنگلبانی و تعهد کاری آنان و حاوی ارزش‌های منفی نسبت به قاچاقچیان چوب، عدم توجه به تأمین نیروی کافی برای حفاظت از جنگل و عدم درک ارزش گیاهان دارویی توسط دولت است.

ب. ارزش‌های بیانی

در جدول زیر ارزش‌های بیانی فیلم سینمایی «ماه در جنگل» نشان داده شده است.

جدول شماره ۶. ارزش‌های بیانی فیلم (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

ردیف	جملات بکار رفته در فیلم	صنعت‌های ادبی بکار رفته
۱	حیثیت این سرزمین جنگل	اضافه استعاری و تشخیص
۲	جنگل مظلوم	اضافه استعاری و تشخیص
۳	چونش رو کف دستش گذاشته	کنایه، مراعات نظیر
۴	زاغ سیاه اینا رو چوب بزنم	کنایه

ردیف	جملات بکار رفته در فیلم	صنعت‌های ادبی بکار رفته
۵	این همه درخت سربریده	تشخیص، استعاره مکنیه و مجاز
۶	ان‌شاءالله که سایه جنگل بالای سر همه ما باشه	تشخیص، استعاره مکنیه و مجاز
۷	پوز این بی‌ناموس فروشا رو بزیم	مجاز و کنایه

جدول شماره ۷. تحلیل ویژگی‌های دستوری و ساختار متن (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲)

مشارکین	فرآیندهای فعلی	نوع افعال	شکل جملات	جهت‌گیری افعال	استفاده از ضمایر
جنگلبانان، قاچاقچیان چوب و مردم	کنشی	معلوم	دستوری	مثبت و منفی تقریباً برابر	آن‌ها

۷. معانی تولیدشده در گفتمان فیلم

- تولید معنی مثبت در خصوص تعهد کاری جنگلبانان
- تولید معنی مثبت در خصوص اهمیت حفاظت از درخت و جنگل‌ها
- تولید معنی منفی نسبت به قاچاقچیان چوب
- تولید معنی منفی در مورد نقش کمرنگ دولت در حفاظت از جنگل‌ها
- تولید معنی منفی در مورد عدم اولویت حفاظت از منابع طبیعی برای دولت
- تولید معنی منفی در خصوص عدم حمایت قانونی از جنگلبانان
- تولید معنی منفی در خصوص شغل پرخطر برای جنگلبانان و تبعات برای خانواده ایشان

سطح تبیین

کمبود نیروی جنگلبانی و عدم امنیت جانی آن‌ها و خانواده‌هایشان دو مسئله اساسی و برجسته در فیلم «ماه در جنگل» است. حمله و قتل جنگلبانان و محیط‌بانان در ایران به گفته برخی منابع در بین کشورهای جهان کم‌سابقه است. به گفته محمد درویش، عضو مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع، طی ۹۰ سال گذشته در ایالات متحده تنها ۲۵ محیط‌بان جان خود را از دست داده‌اند و ۹۵ درصد این موارد ناشی از حوادث و سوانح بوده است؛ اما در ایران، طی ۳۰ سال گذشته ۱۱۲ محیط‌بان و ۱۱ جنگلبان (در مجموع ۱۲۳ نفر) کشته شده‌اند. افزون بر این، شمار زیادی از محیط‌بانان و جنگلبانان مورد ضرب و شتم قرار گرفته، مجروح شده یا دچار آسیب‌های دائمی شده‌اند و حتی گزارش‌هایی از تهدید خانواده‌های آنان نیز وجود دارد. یکی از نمونه‌های تلخ، قتل ناصر پیروی، رئیس اداره منابع طبیعی ماسال (تالش)، است که در ۷ اردیبهشت ۱۳۸۴ به دلیل مقاومت در برابر تصرف غیرقانونی پنج هکتار از جنگل‌های منطقه، به طرز فجیعی جان باخت. یکی از متهمان این پرونده در اعترافات خود گفته است: او فردی سرسخت بود و نسبت به جنگل حساسیت زیادی داشت. من و هم‌دستانم مدتی بر سر مالکیت بخشی از جنگل با او درگیر بودیم و او قاطعانه در برابر ما ایستادگی می‌کرد؛ بنابراین تصمیم گرفتیم برای رسیدن به اهداف خود، او را از سر راه برداریم. «فضل‌الله علی‌پور» جنگلبان مازندرانی بود که در بامداد روز جمعه ۷ خرداد ۱۳۹۵، توسط قاچاقچیان چوب در منطقه جنگلی سالد، شهرستان نور کشته شد (IEW, ۲۰۱۶). تهدید و قتل خانواده جنگلبانان و محیط‌بانان هم یکی از مسائلی است در فیلم به آن اشاره شده است (حمله به منزل یحیی و ضرب و جرح و همچنین زیر گرفتن او به وسیله خودرو). یکی از محیط‌بانان در گفت‌وگو با یک خبرنگار اظهار کرده است: در سال ۱۳۸۲ قاچاقچیان، دختر رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالای میاندوآب را مقابل دانشگاه آزاد علوم پزشکی اردبیل به قتل رسانده بودند. سال بعد، دختر من در همان دانشگاه پذیرفته شد و همان افراد که به قاچاق شهرت داشتند، مرا تهدید کردند که یا دختری را به دانشگاه نفرست یا همان اتفاق را برای او نیز رقم می‌زنیم. من نیز به دلیل این تهدیدها، ناچار شدم انصراف دخترم از تحصیل را ثبت کنم (Hamdali Newspaper, 2012). با توجه به توضیحات مذکور استان‌های شمالی کشور و بخصوص استان مازندران درگیر پدیده قاچاق چوب و به دنبال آن قتل، ضرب و جرح و تهدید محیط‌بانان و خانواده ایشان است و این موارد دلایل و انگیزه‌های قابل توجهی را برای ساخت این اثر ایجاد کرده است.

نتیجه‌گیری

در شرایطی که کشور با مسائل و چالش‌های فراوان محیط‌زیستی روبه‌رو است، فیلم و سینما می‌توانند از ظرفیت‌های خود استفاده کرده و با به تصویر کشیدن مسائل و مشکلات محیط‌زیست و بحران‌های ناشی از آن مخاطرات و پیامدهای آن را به مردم گوشزد کرده و بدین ترتیب نقش و کارکرد ویژه خود را در آگاهی بخشی ایفا می‌کنند؛ چراکه رسالت سینما اندیشیدن و آگاهی بخشی است اما دست‌مایه‌ی صنعت سرمایه‌داری قرار گرفته و تولیدات آن اهداف تجاری و اقتصادی و سرگرمی را دنبال می‌کنند. با توجه به اینکه عرصه‌ی محیط‌زیست حیات انسان‌ها را از ابعاد مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد، بالطبع خود نیز از ابعاد گوناگون تأثیر می‌پذیرد؛ بنابراین حفاظت از آن و فرهنگ‌سازی در این زمینه نیازمند برنامه‌های همه‌جانبه در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. به بیانی دیگر حوزه‌هایی چون سیاست، فرهنگ، اقتصاد و صنعت با محیط‌زیست رابطه‌ای مستقیم دارند. ضعف عملکرد نهادهای سیاست‌گذار و کمبود قوانین و مقررات در برخورد جدی با مجرمان محیط‌زیست از دیگر موارد قابل توجه است؛ هم‌چنین در فیلم طعم خیال مشاهده می‌شود که چگونه بسیاری از پروژه‌های کلان (در سطح ملی) به علت سودآوری و تجاری بودن با وجود آسیب‌ها و ضرر و زیانی که به محیط‌زیست دارند اجرایی می‌شوند و سیاست و قانونی در برخورد با آن‌ها وجود ندارد.

از دیگر موارد قابل توجه این است که فضای سینمای محیط‌زیستی ایران آثار مستند به مراتب بیشتر از آثار داستانی است و بیشتر آثار تولیدشده در این زمینه به صورت مستند است. در واقع علاقه فیلم‌سازان حوزه مستند به ساخت این فیلم‌ها بیشتر از فیلم‌سازان حوزه داستانی است در حالی که سینمای فیلم و داستان به دلیل عامه‌پسند بودن و عمومی بودن آن‌ها می‌تواند مسائل محیط‌زیست را برای کنشگری هم برای عموم مردم و هم برای سیاست‌گذاران به‌طور ملموس‌تر و بیشتری قابل درک کند. بر این اساس فیلمی که به‌طور منسجم و اخص چالش‌ها و مشکلات محیط‌زیستی را روایت کند و در ژانر محیط‌زیستی باشد در سینمای ایران بسیار محدود و انگشت‌شمار است. بیشتر فیلم و سریال‌های ساخته‌شده در این زمینه نتوانستند تمرکز ویژه‌ای بر موضوعات محیط‌زیستی داشته باشند و با وارد کردن موضوعات دیگر به فیلم، آن‌ها را موازی و هم‌مسیر با جریان اصلی داستان فیلم پیش نبرده و بدین ترتیب دچار چند پارگی روایت‌شده و خط یا جریان اصلی فیلم که محیط‌زیست است ناپدید می‌شود و مخاطب را سردرگم می‌کند؛ بنابراین یک رویه هدفمند و منسجم در ساخت فیلم و سریال‌های محیط‌زیستی وجود نداشته و همواره ذوق و سلیقه فردی باعث تولید آثار اندکی در این زمینه شده است. به‌گونه‌ای که تولید محتوای کنشگران و فعالان محیط‌زیستی در فضای مجازی بیش از تولیدات سینما و تلویزیون در این زمینه است. در واقع نشان دادن محیط‌زیست و مسائل آن در سینما، برای این عرصه هنری دغدغه نشده است و مسائل دیگری مانند سیاست و اقتصاد و یا مباحثی که جنبه سرگرمی دارند به دلیل منافع اقتصادی و تجاری، در سینما نسبت به محیط‌زیست در اولویت قرار دارند. نهایتاً در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش که (سینمای ایران چگونه محیط‌زیست را بازنمایی می‌کند؟) باید گفت مسائل مربوط به انرژی‌های پاک و عدم اتکا به منابع نفتی و توسعه مبتنی بر منابع تجدیدپذیر، مصرف بهینه آب و انرژی و تأکید بر تغییر سبک زندگی مسالمت‌آمیز با محیط‌زیست مواردی است که در فیلم طعم شیرین خیال بازنمایی شده‌اند. مسئولیت‌های خطیر و دشوار مشاغل ارزشمند رفتگری و جنگلبانی از دیگر مواردی است که در فیلم‌های نارنجی‌پوش و ماه در جنگل بازنمایی شده‌اند. در فیلم ماه در جنگل شاهد تعهد کاری بالای جنگلبانان، عدم حمایت و قانونی و امنیت شغلی آنان، عدم برنامه‌ریزی دولت در استخدام و به‌کارگیری نیروهای جنگلبانی و کمبود نیرو در این زمینه بازنمایی شده‌اند. در سه اثر سینمایی موردبررسی در پژوهش به بحران‌های محیط‌زیستی چون فرسایش خاک، بیابان‌زایی، جنگل‌زدایی، توزیع ناعادلانه انرژی، خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها، نابودی پوشش‌های گیاهی و جانوری و خطمشی و سیاست‌گذاری‌ها در این مورد، اشاره‌ای نشده است و موضوعات به زباله‌ها، آلودگی هوا و انرژی پاک تقلیل داده‌شده‌اند در صورتی که بحران‌های محیط‌زیستی کشور شامل ابعاد وسیع‌تر و پیچیده‌تری است. علاوه بر تقلیل این مسائل، عدم سیاست‌گذاری‌ها و عملکرد مناسب دولت در حفاظت از محیط‌زیست در فیلم‌های موردبررسی به صورت جدی به چشم می‌خورد؛ به‌گونه‌ای که برخلاف دیدگاه متخصصان و کنشگران حوزه

محیط‌زیست فرض بر این نهاده شده که سیاست‌گذاری‌های دولت در حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی بی‌نقص و کامل و درعین‌حال مسئولیت اجرای صحیح قوانین و حفاظت از محیط‌زیست تماماً به عهده شهروندان است. به عبارتی گفتمان محیط‌زیستی در فیلم‌های سینمایی بررسی‌شده، مشکلات ساختاری محیط‌زیست را نادیده گرفته است، به گونه‌ای که هم دلیل ایجاد این مشکلات و هم روش حل آن‌ها را امری صرفاً فردی و مردمی می‌داند. علاوه بر این موارد عدم توجه سینمای ایران به مسائل مربوط به محیط‌زیست هم خود قابل تأمل و حائز اهمیت ویژه‌ای است.

سیاس‌گذاری: مقاله حاضر پژوهش مستقل علمی است و برگرفته از هیچ‌گونه رساله، پایان‌نامه نیست. این مطالعه حاصل همکاری مشترک دو پژوهشگر (نویسندگان) است که در تمامی مراحل انجام پژوهش سهمی برابر داشته‌اند.

حامی مالی: بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

سهم نویسندگان در پژوهش: همه نویسندگان، در نگارش و تنظیم مقاله حاضر نقش و سهم برابر دارند. **تضاد منافع:** نویسندگان اعلام می‌دارند هیچ تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

پی‌نوشت

¹ Brulle

² Catastrophe John Dryzek

³ Arcadian

⁴ Ecosystem

⁵ Environmental justice

⁶ Rita Kovács

⁷ paszkiewicz

⁸ Anthropocene

⁹ Carpentier

¹⁰ Mohamed Mliless

¹¹ Claire S. Ahn

¹² ChistopherW.Podedchi

¹³ Uttam Kr Pegu

¹⁴ Tai Wei Lim

References

- Bastani, S.; and Omidipour, Z.; and Rajab Lou, A., (2013). Analysis of Women's Microdiscourses in the Constitutional Era, *Quarterly Journal of Historical Sociology*: (5) 5-35 <https://www.sid.ir/paper/243072/fa>
- Bashir, H., (2019). Operational Method of Discourse Analysis, *Tehran: Soroush*. pp. 103-105 <https://taaghche.com/book/105654/%D8%B1%D9%88%D8%B4-%D8%B9%D9%85%D9%84%DB%8C%D8%A7%D8%AA%DB%8C-%D8%AA%D8%AD%D9%84%DB%8C%D9%84-%DA%AF%D9%81%D8%AA%D9%85%D8%A7%D9%86>
- Bicharanlou, A., (2014). The Necessities and Requirements of Iran's Encounter with the Environment, *Strategic Studies of Art*: (1), 11-24 https://ssa.ricac.ac.ir/article_168035.html#:~:text=10.22083/ssa.2023.168035
- Fazli, M., (2019). Iran on the Edge of the Razor, *Rozaneh Publications, First Edition, Tehran*, pp. 36-37
- Farclough, N., (2008). Critical Discourse Analysis. *Translators Group, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance*. pp. 81-81 <https://www.gisoom.com/book/1742052>
- Hajer, M.A. (1995). the politics of environmental discourse: ecological modernization and the policy process, *oxford: clarendon press*. p264 <https://doi.org/10.1093/019829333X.001.0001>
- Hamdali Newspaper., (2012). Forestry has once again killed a martyr. <https://hamdelidaily.ir/?post=35466>
- Hannigan, J. (2007). Environmental Sociology, second edition, *routledge, London and New York*. P38. <https://nile-center.com/uploads/P2RQPC32H6T8CWP.pdf>
- Kovács.R(2022). A Screen New Deal and Ökologische Mindeststandards A Discourse Analysis of Environmental Sustainability in the British and German Film Industry. Master's Thesis in Screen Cultures Department of Media and Communication P:1-160. <http://urn.nb.no/URN:NBN:no-98944>
- Lutafipour Saedi, K., (2009). An Introduction to Speech Mining. *Journal of Linguistics*: (1) 9 – 39. <https://ensani.ir/fa/article/author/28225>
- Motamednejad, K. (2011). Mass Communication Tools, Allameh University Press, First Edition, Tehran, p. 15
- Mliless, M., & Azzouzi, L. (2020). Environmental Discourse in Moroccan Eco-documentary: The decryption of Scientists' Narratives. *International Journal of Language and Literary Studies*, 2(1), 199-217. <https://doi.org/10.36892/ijlls.v2i1.201>

- Motamednejad, K. and Mehdizadeh, M., (2007). Representation of Iran in Western Press. *Journal of Social Sciences*: (36) 1 – 35. https://qjss.atu.ac.ir/article_5323_983f81f4d455b7544323f2f300f49748.pdf
- Podeschi, C. W. (2011). The nature of future myths: Environmental -discourse in science fiction film, 1950-1999. *Sociological Spectrum*, 22(3), 251-297. <https://www.jstor.org/stable/26474627>
- Parsapour, Z. and Hassanpour, H., (2014). The Role of Literature in the Evolution of Environmental Discourse, *Two Quarterly Journals of Literature History*, 3(1).1. https://hlit.sbu.ac.ir/article_102656.html
- Paszkiwicz, K. (2021). Kino i środowisko: sztuka uważności w antropocenie, Rhetoric of Ecology in Visual Culture 8 (2) P: 1- 21. [file:///C:/Users/PARADISE-2024/Downloads/Cinema_and_Environment_The_Arts_of_%20\(1\).pdf](file:///C:/Users/PARADISE-2024/Downloads/Cinema_and_Environment_The_Arts_of_%20(1).pdf)
- S. Ahn. C. (2020). Considering the Role of Documentary Media in Environmental Education. *Journal of the Canadian Association for Curriculum Studies (JCACS)* Volume 17, Number 2, 2020 P:67- 79. <https://doi.org/10.25071/1916-4467.40435>
- Zaeri, Q. and Mohammadi, A., (2020). Discourse Analysis of Environmental Culture in Iran. *Quarterly Journal of Sociology of Culture and Art*: (1). pp. 106–127. <https://doi.org/10.34785/J016.2020.371>